لیکن شیخ محیی الدین در فتوحات گوید این شعر مرتضی ست رضی الله عنه تنبیه بزوال زمان وفنای جهان

بالدهر الا یقظة ونوم ولیلة بینهما ویوم یعیش قوم ویموت قوم والدهر قاض ما علیه لوم

ترجمه ملامت کردن میفرماید نیست روزگار مگر بیداری وخوابی وشبی در میان بیداری وخواب

ور وز میزید قومی ومی میرد قومی وروزگار حکم کننده ست نیست بر وملامتی ش ور دنیا

جهان چو نیست انوار قدم پیوسته کند رخت بسر حد عدم در هر نفسی قابل فیضی باشد

وآن فیض باو رسد ز دریای کرم بیان امتزاج شهد دهر بزهر و ازدواج لطف او بقهر

انا بالدهر علیم وابو الدهر وامه لیس فی الدهر یوما بسرور وفیتمه واذ .... کت

یوما فغدا باتیک همه اتمام تمام کردن میفرماید من بروزگار دانا ام وپدر دهرم ومادر

او نیست که آورد دهر روزی شادی بس تمام کند آنرا وچون شاد کند ترا روزی پس فردا آید

ترا غم او ش فریاد مرا زجور وبیراهی دهر وز تلخی او گشاخت کامم چون زهر زنهار بلطف

او نگردی مغرور کز مکمن غیب می جهد لمعهٔ قهر مذمت دنیا که دام فریب وکان آسیب است

ومن یحمد الدنیا لعیش یسره فسوف لعمری من قلیل یلومها اذا اقبلت کانت علی المرء فتنة

وان ادبرت کانت کثیرا همومها میفرماید پس هر که ستایش کند دنیا را برای عیشی که

شاد کند او را پس زود بزندگی من بعد از زمانی اندک ملامت کند او را چون روی آورده باشد

بر مرد آشوب واگر پشت بر کنده باشد بسیار اندوهها او ش گر بمدح جهان کسی نشان

کردی ور جمیع کنی از دو رنشان کردی اقبال جهان فتنه وادبار بلاست بگذر ز جهان

که اهل عرفان کردی امر بشکر نعم ذو الجلال وبیان انتهای هر کمالی بزوال اذا کنت

فی نعمة فارعها فان المعاصی تزیل النعم وحافظ علیها بشکر الاله فان الاله شدید

النقم فاین القرون ومن حولهم تفانوا جمیعا ورب الحکم وکن موسرا شئت او

معسرا فما تقطع العیش الا بهم [illegible] کردانیدن ومحافظت بر چیزی نگاهبان شدن میفرماید

چون باشی در نعمتی پس نگاهدار آنرا بفرمان بردار چه بدرستی که نافرمانیها زایل میکند

نعمتها را ونگهبان باش آن نعمت بشکر معبود چه بدرستی که معبود سخت عقوبتهاست

پس کجا اند همزادان وآنکس که پیرامون ایشان بود با هم فانی شدند همه بحق پروردگار

من حکم کننده باش تو گر خواهی تو با تنگ دست پس بیشتری زندگانی را اگر باشد وهش ای یا فتنه

مال وجاه واسباب بسی از شکر خدا مباش غافل نفسی فیضی بر سان که تا زنی چشم بهم

اسباب جهان هیچ نماند بکسی حلاوت دنیا کسموته فلا اکل الشهد الا بسم محاد دنیا

مموته فلا تکتسب الحمد الا بذم اذا تم امر دنا نقصه توقع زوالا اذا قیل تم

وکم قدر دب فی غفلة فلم یشعر الناس حتی هجم ستم زهر در طعام کردن وشهد انگبین

بیالوده ونقص کم شدن وتوقع چشم داشتن وهجوم ناگاه بچیزی رسیدن از اول میفرماید

شیرینی دنیای تو بزهر آلوده ست پس نمیخوری تو انگبین را مگر باز هر ستوده تا تو نکوهیده

پس کسب مکن ستودن را مگر با نکوهیدن چون تمام شود کاری نزدیک شود نقصان او

چشم دار زوال را چون گفته شود تمام شد وبسا تقدیری که نرم رود در حال غفلت

پس آگاه نباشند مردم تا ناگاه برسد ش هر شهد که میخوری در وز هری هست در هر چه نظر

کنی ز ضد بهری هست هر خیر که شد تمام نقصان یابد آری نبلی لطف خدا

قهری هست نصیحت خلاصه امام حسین علیه السلام تنزه عن مصادقة اللیام

والمم بالکرام بنی الکرام ولا تک واثقا بالدهر یوما فان الدهر منحل النظام ولا

تحمد علی المعروف قوما وکن منهم تنل دار السلام ولا تثق بالعدد بک ذی المعالی

وذی الآلاء والنعم الجسام تنزه دور شدن ومصادقه با یکدیگر دوستی داشتن وانحلال

گشاده شدن گره والنظام الخیط الذی ینظم به اللؤلؤ ودار السلام بهشت وقال الامام

فی تفسیر الکبیر السلام اما من اسماء الله تعالی او بمعنی السلامة والعرب یلحق هذه الهاء فی کثیر

من المصادر وتحذفها یقولون ضلال وضلالة وشقاء وشقاوة ولذاذ ولذاذة ورضاع

ورضاعة وجمیع السلامة حاصلة فی الجنة والالاء النعم واحدها الی بالفتح وقد یکسر ویکتب بالیاء

میفرماید دور شو از دوست داشتن ناکسان وفرود آی به بزرگان پسران بزرگان

ومباش اعتماد کننده بروزگار روزی چه بدرستی که روزگار گشاده رشته است و

حمد مبر بنکویی قومی را و باش از ایشان تا بیابی بهشت را واعتماد کن بخدا و پروردگار

تو خداوند بزرگیها وخداوند نعمتها ونعمتهای بزرگ ش از صحبت ناکسان چو بگریزی

فان انواع السلامة

Copyright © King Saud University